

30 سال پس از وفات علامه، خانه سلطان القزائی در محاق بلاتکلیفی+ تصاویر

27 دی ماه یادآور خاموشی شمع حیات بزرگ ترین نسخه شناس قرن علامه جعفر سلطان القزائی است. آن که سنوات عمر خود را صرف خدمت به علم، هنر، تاریخ، فرهنگ و ادب این آب و خاک کرد در سی امین سال روز فقدان علامه جعفر سلطان القزائی از نسخه خطی رباعیات خیام متعلق به کتابخانه ایشان پرده برداری شد.



27 دی ماه یادآور خاموشی شمع حیات بزرگ ترین نسخه شناس قرن علامه جعفر سلطان القزائی است. آن که سنوات عمر خود را صرف خدمت به علم، هنر، تاریخ، فرهنگ و ادب این آب و خاک کرد در سی امین سال روز فقدان علامه جعفر سلطان القزائی از نسخه خطی رباعیات خیام متعلق به کتابخانه ایشان پرده برداری شد. به گزارش خبرگزاری فارس از تبریز، در سی امین سال روز فقدان علامه جعفر سلطان القزائی از نسخه خطی رباعیات خیام متعلق به کتابخانه ایشان پرده برداری شد. 27 دی ماه 1367 یادآور خاموشی شمع حیات اوست. نسخه خطی یادشده که دارای تاریخ کتابت 944 قمری است، در عهد شاه طهماسب صفوی با خامه شیخ مرشد شیرازی به رشته تحریر درآمده و حاوی 226 رباعی از خیام نیشابوری است.

اهمیت نسخه مذکور علاوه بر خط زیبای نستعلیق کاتب آن، مجلس و مینیاتور ملیح و منقح در ابتدای آن، سرلوح و تذهیبات ظریف و لطیف آن است.

اسرار ازل را نه تو دانی و نه من این حرف معما نه تو خوانی و نه من

هست از پس پرده گفتگوی من و تو گر پرده برافتد نه تو مانی و نه من

کاتب نسخه خطی شیخ مرشد شیرازی، خوشنویس معروف قرن دهم هجری است. نمونه های کتابت او در کتابخانه ها و موزه های داخل کشور و همینطور در کتابخانه ها و موزه های خارج کشور از جمله موزه والتر آرت گالری بالتیمور، موزه بریتیش میوزیوم لندن، کتابخانه خزینه اوقاف استانبول و کتابخانه دولتی برلین موجود است.

تاریخ کتابت نسخه 944 قمری است. جلد بیرونی نسخه خطی از پوست لاک پشت هندی تهیه شده و جدول طلائی بر آن زده شده است و جلد درونی نسخه ابری اسلامبولی است. قطع این نسخه رقعی کوچک بوده و در ابعاد 9.8*16.5 سانتی متر فراهم شده است.

نسخه خطی در 58 ورق و 115 صفحه ترتیب یافته است که 226 رباعی را شامل می شود. خط زیبای کاتب شیخ مرشد شیرازی در همه جای نسخه خطی خودنمایی می کند.

قومی متفکرند در مذهب و دین جمعی متحیرند در شک و یقین

ناگاه برآورد منادی ز کمین کای بی خبران راه نه آنست و نه این!

غیاث الدین عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری به سال 439 هجری قمری (1048 میلادی) در نیشابور چشم به جهان هستی گشود و به سال 517 قمری (1131 میلادی) در شهر تولد یافته خویش، نیشابور وفات کرد (تاریخ های یادشده خصوصاً تاریخ تولدش محقق نیست).

متأسفانه دفتر شعر شاعر یا هرگونه تحریرات وی و یا حداقل از رباعیات خیام تحریر شده به وسیله کاتبین معاصرش، در دست نیست. حتی مستنداً به بعضی موارد، در زمان حیات عمر خیام، رباعیاتش در محاق پنهانی مانده و پس از وفات وی توسط دوستان و دوستانان او اشاعه یافته است. چنان که اشاعه دهان به دهان آن نیز جزو ادبیات شفاهی خلق گردیده است.

منوچهر امیری در مقاله سه صفحه ای خود در شماره 7 مجله یغما (به شماره کتی 52) به تاریخ مهر ماه 1331 شمسی به عنوان قدیمی ترین نسخه خطی رباعیات عمر خیام نیشابوری از یک مجموعه، جنگ یا سفینه در کتابخانه دانشگاه کمبریج لندن نام می برد که تاریخ کتابت آن 604 هجری قمری است.

منوچهر امیری می نویسد که این سفینه شامل اشعار شعرای متقدم از جمله 252 رباعی از عمر خیام می باشد و کاتب آن غیاث الدین محمد بن یوسف بن علی است. این سفینه با پذیرش صحت موارد یادشده باز تاریخ کتابت آن قریب یک قرن پس از وفات عمر خیام است.

از چرم گل سیاه تا اوج زحل کردم همه مشکلات گیتی را حل!

بگشادم بند های مشکل به حیل هر بند گشاده شد مگر بند اجل!

نسخه خطی سلطان القزائی همانگونه که مذکور افتاد، با یک مجلس و مینیاتور زیبا و ملیح در ابتدای آن آغاز می شود. متأسفانه این نقاشی زیبا فاقد رقم و امضاء است.

به دنبال مینیاتور مذکور در بالای صفحه نخستین نسخه یک سرلوح ظریف و لطیف فراهم شده است. در ترنج میانه این

سرلوح، عنوان "رباعیات حکیم خیّام" جای گرفته است.

این صفحه و صفحه مابعدش به صورت زیبایی تذهیب گردیده است. در صفحه یادشده، پائین دست سرلوح و داخل تذهیب تنها یک رباعی نگارش شده است.

در صفحه مابعدش داخل تذهیب دو رباعی جای گرفته و در همه صفحات بعد از آن تا آخرین صفحه هر کدام دورباعتی (یعنی در هر ورق چهار رباعی) نوشته شده است و در آخرین صفحه تنها یک رباعی خودنمایی می کند. تمامی صفحات نسخه خطی مجدول می باشند.

بر من قلم قضا چو بی من رانند پس نیک و بدش ز من چرا می دانند؟

دی بی من و امروز چو دی بی من و تو فردا به چه حجتی به داور خوانند؟!

در سرتاسر نسخه زیبایی خط نستعلیق شیخ مرشد شیرازی چشم ها را نوازش می کند. ضایعه و خدشه مهمی اتفاق نیافتاده است، هرچند که صفحاتی از نسخه خطی متن و حاشیه شده است.

تنها قدری از رباعی نخستین و تذهیب متعلق به آن در پائین دست سرلوح ابتدای نسخه ریخته است. رباعی یادشده با مصراع "ای ذات تو سردفتر اسرار وجود" شروع شده ولی در مصراع دوم خدشه هایی وجود دارد. در مصراع سوم همین رباعی "در پرده کبریا نهان گشته ز چشم" آمده لیکن باز در مصراع چهارم ریختگی وجود دارد. در صفحه دوم، این دو رباعی به ترتیب آمده است:

رباعی اوّل:

ای زندگی تن و توانم همه تو جانی و دلم، ای دل و جانم همه تو

تو هستی من شدی، از آنم همه من من نیست شدم در تو، از آنم همه تو

رباعی دوم:

یارب ز قبول و از ردم باز رهان مشغول خودم کن از خودم باز رهان

تا هشیارم و نیک و بدی می دانم مستم کن و از نیک و بدم باز رهان

در صفحه سوم، با دو رباعی ذیل ادامه می یابد:

رباعی اوّل:

من بنده عاصیم، رضای تو کجاست تاریک دلم، نور و صفای تو کجاست

ما را تو بهشت اگر به طاعت بخشی این بیع بود، لطف و عطای تو کجاست

رباعی دوم:

آباد خرابات ز می خوردن ماست خون دو هزار توبه در گردن ماست

گر من نکنم گناه، رحمت چه کند رحمت همه موقوف گنه کردن ماست

در صفحه چهارم، دو رباعی زیر آمده است:

رباعی اوّل:

در دیده تنگ مور، نورست از تو در پای ضعیف پشه، زورست از تو

ذات تو سزاست مر خداوندی را هر وصف که ناسزاست، دورست از تو

رباعی دوم:

ای از حرم ذات تو عقل آگه نی وز معصیت و گناه ما مستغنی

مستم ز گناه و از رجا هشیارم امید به رحمت تو دارم یعنی

و بالاخره در قسمت پایانی نسخه نیز، در سه صفحه مانده به صفحه آخر آن، در هر صفحه دو رباعی به ترتیب زیر به

وسیله مرشد شیرازی تحریر گردیده است:

رباعی اوّل صفحه:

خیّام که خیمه های حکمت می دوخت در آتش غم فتاد و ناگاه بسوخت

خیّاط اجل قبای عمرش ببرید دلال امل به رایگانش بفروخت

رباعی دوم:

چون آتش سودای تو جز دود نداشت مسکین دل من امید بهبود نداشت

در جستن وصل تو بسی کوشیدم چون بخت نبود، کوشش سود نداشت

رباعی اوّل صفحه:

خرّم به تو داشتم دل پرغم را هجر تو حزین کرد دل خرّم را

من تلخی عالم به تو خوش می کردم با تلخی هجرت چه کنم عالم را

رباعی دوم:

گر عاشقی انده کش و شادان می باش با درد در انتظار درمان می باش

خون می خور و همچو غنچه در دل می گیر جان می ده و همچو صبح خندان می باش

رباعی اوّل صفحه:

گفتم که مگر درست باشد عهدت بر قاعده نخست باشد عهدت
می دانستم که همچو بنیاد جهان ای نور دو دیده سست باشد عهدت

رباعی دوم:

اسرار ازل باده پرستان دانند قدر می و جام تنگ دستان دانند
گر چشم تو حال من بداند چه عجب شک نیست که حال مست مستان دانند

در صفحه آخر نسخه خطی سلطان القرائی، کاتب نسخه نخست با آوردن آخرین رباعی و پس از آن رقم و تاریخ اتمام کتابت و نام خود؛ با استدعای دعای خیر برای کاتب به نگارش خود چنین پایان می دهد:

ای دلبر مه طلعت خورشید صفات از لعل لبیت یافته یاقوت زکات
در باغ رخت بنفشه ای می بایست آن نیز بر آمد از لب آب حیات

تمّ الرّباعیات فی تاریخ شهرور سنه اربع و اربعین و تسعمائه علی ید اقلّ العباد مرشد الکاتب الشّیرازی.

غریق رحمت یزدان کسی باد که کاتب را به الحمّدی کند یاد
کمر اثر ادبیّات فارسی همانند رباعیات عمر خیّام نیشابوری در سطح جهان توانسته است تا این اندازه کسب آوازه و شهرت نماید. شک نیست که در این راه ترجمه آزاد انگلیسی رباعیات خیّام و انتشار آن به سال 1859 میلادی به وسیله «ادوارد فیتز جرالد» (شاعر و مترجم نامدار انگلیسی پسر جان پورسل متولّد وودبریج 1809 & 1883 میلادی و تحصیل کرده کمبریج) تأثیر بسیار عمیق داشته است.

همین طور سایر اقدامات و تحرکات ادبی و فرهنگی در سطح دنیا در این باره به عنوان مثال تشکیل انجمنی ادبی به نام "عمر خیّام کلّوپ" در لندن در سنه 1892 میلادی از فضلا و ادبا و ارباب وقت جراید نشانگر عمق اهمّیت و تأثیر آن است. البتّه اهمّیت ترجمه آن به السنه مختلف و دیگر زحمات و کارهای شعرا و مترجمان در این باب جایگاه خود را دارد. از جمله ترجمه آن به زبان فرانسه به وسیله «ژیلبر لازار» و ترجمه آن به عربی توسط سیّد احمد صافی نجفی و ترجمه اش به ده ها زبان دیگر توسط ده ها مترجم به خصوص ترجمه رباعیات عمر خیّام نیشابوری به زبان ترکی به وسیله ده ها مترجم هر کدام اهمّیت خود و جایگاه مخصوص به خود را دارد.

دی کوزه گری بدیدم اندر بازار بر پاره گلی لگد همی زد بسیار
آن گل به زبان حال با او می گفت من هم چو تو بوده ام، مرا نیکو دار!

نسخه خطی سلطان القرائی همان گونه که مذکور افتاد، شامل 226 رباعی از عمر خیّام نیشابوری می باشد. بعضی از رباعیات این نسخه را نگارنده در دیگر نسخ ملاحظه نکرده است.

باشد که تعداد رباعیات بعضی نسخ از نسخه سلطان القرائی کمتر و تعداد رباعیات بعضی نسخ دیگر از آن بیشتر باشد. اینجاست که تهیه و آماده سازی یک چاپ تحقیقی، انتقادی و جامع از رباعیات عمر خیّام نیشابوری که شامل و ناظر بر کلیّه نسخ خطی موجود در جهان باشد؛ لازم می آید. به امید آن روز...

آنان که محیط فضل و آداب شدند در جمع کمال، شمع اصحاب شدند
ره زین شب تاریک نبردند به روز گفتند فسانه ای و در خواب شدند

نسخه خطی بی بدیل پرده برداری شده از نفایس کتابخانه استاد علامه جعفر سلطان القرائی است. پرده برداری از این اثر یکتا و بی نظیر در سی اُمین سالگرد فقدان سلطان نسخه شناسی قرن اتّفاق افتاد.

27 دی ماه یادآور خاموشی شمع حیات بزرگ ترین نسخه شناس قرن علامه جعفر سلطان القرائی است. آن که سنوات عمر خود را صرف خدمت به علم، هنر، تاریخ، فرهنگ و ادب این آب و خاک نمود.

179 عنوان نسخه خطی منحصر به فرد و نفیس خویش را به کتابخانه مجلس اهدا نمود که هریک در نوع خود بی مانند و بی نظیرند. تنها توصیف یاد شده در مورد نسخه خطی بی همتای یاد شده، خود نمایانگر غنای معنوی کتابخانه اوست.

27 دی 67 شمع حیات او در کتابخانه ی شخصی خانه اش، در جوار کتبی که عمری با او انیس بودند به تاریکی گرائید.

خانه ای که پدر، جدّ و برادران عالم، فقیه و فاضلش در آن پا به عرصه وجود نهاده و در آن نشو و نما یافته اند؛ به خانه «سلطان القرائی» شهرت یافته و تاریخ علم، فرهنگ، فقه و ادب 200 ساله تبریز را در سینه خود دارد. این خانه با وجود آن که به همت والای اداره میراث فرهنگی آذربایجان شرقی در خرداد 1386 به شماره 19204 در فهرست آثار ملی کشور ثبت شده و در اسفند ماه 1387 به تملک آن اداره در آمده است؛ لیکن امروز با گذشت 30 سال از وفات علامه جعفر سلطان القرائی هنوز متعلقات آن تملیک نشده و تعمیراتش نیز پایان نیافته است.

در اوایل سال 1397 با تخصیص بودجه ای، کارگاه آن فعال و تعمیرات آن شروع شد. امّا این ایّام دیری نپایید. پس از مدّت کوتاهی دوباره کارگاه تعطیل و عملیات ساختمانی مانند سنوات ماضی راکد گردید.

امید است با آزاد سازی محوطه و متعلقات یاد شده و با اتمام تعمیرات به شکل آبرومند، خانه سلطان القرائی به عنوان

تاریخ مکتوم 200 ساله تبریز در به روی ارباب علم و فرهنگ و ادب بگشاید. علامه جعفرسلطان القرائی در این خانه، در حدود سال 1322 قمری در خانواده علم، فقه و ادب تولد یافت. وی قرآن، مقدمات و قرائت بعضی متون فارسی و عربی را نزد پدر و برادر بزرگ تر خود، آیت الله العظمی حاج میرزا جواد آقا آموخت و از تدریس استادان مکاتب و مدرسان مدارس داخلی و خارجی بهره گرفت. در مجالس درس و بحث حاجی میرزا ابوالحسن آقا انگجی، آقاسید احمد خلخالی، حاج میرزا علی اصغر آقا ملک و آقامیرزا رضی زنوزی به تلمذ نشست.

رسم الخط و خوشنویسی را از حاجی میرزا محمد حسین مکتب دار از شاگردان نامدار سیدحسین خوشنویس باشی و میرزا عبدالرسول منشی محکمه جد مادریشان یاد گرفت. لیکن اطلاعات ادبی و تاریخی و هنری وسیع و دقیق او از طریق مطالعه مستمر و دقت در کتب خطی و نشست و برخاست با ادبا، شعرا، فضلا و بزرگان به دست آمد. جد ایشان، شیخ عبدالرحیم بن شیخ ابی القاسم تبریزی ملقب به سلطان القرا به سال 1255 هجری قمری در تبریز متولد شد. وی از مشاهیر دوران و اعظم علمای زمان خود بود.

این عالم بزرگ که بخش عمده زندگانی و عمر پرثمر خود را در خانه یاد شده سپری کرد، در حوزه علمیه تبریز تدریس علم تجوید و قرائت قرآن و صرف و نحو عربی را عهده دار بوده، در علم قرائت نظرات داشت از این رو به سلطان القرا ملقب گشته و این لقب در اولاد و احفاد او باقی و ساری شد.

ایشان زمانی در نجف اشرف و شامات و مصر در محضر علمای شیعه بودند و زمانی دیگر در داغستان در جوار شیخ شامل داغستانی برای شرکت در مجاهدت های ایشان حاضر شدند و فتوای جهاد علیه روسیه تزاری را صادر کردند.

شیخ عبدالرحیم مردعلم، عمل، مبارزه و جهاد بود. وی در 19 رمضان سال 1336 چشم از جهان فرو بست و در صفة الصفا در کوه سرخاب تبریز که در زمان قدیم مصلائی آن شهر بوده مدفون شد.

از وی آثار مکتوب ذی قیمتی باقی مانده است که الدرالمثور، حاشیه بر مقدمه منظومه جزری و رساله های دیگر در تجوید را می توان نام برد.

بعد از ایشان این خانه مسکن شیخ ابوالقاسم سلطان القرائی گشت. شیخ ابوالقاسم از اکابر علمای آذربایجان بود و بعد از وفات پدر، مرجع علم تجوید و قرائت قرآن و صرف و نحو عربی و مورد احترام عموم طبقات تبریز بود.

از جمله آثار وی، تصحیح کلام الله مجید است که به سال 1336 هجری قمری در تبریز چاپ شده است. وی در دوم صفر 1368 وفات یافت و در گورستان محله شتریان تبریز مدفون شد.

علامه جعفر سلطان القرائی دومین فرزند شیخ ابوالقاسم در خانه مذکور که بعدها نیز محل سکونت وی گشت، از سیده خانمی از سلاله میرزا یوسف صدرالاشراف از بنی اعمام میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی و از شجره سادات حسینی، متولد شد.

علامه جعفرسلطان القرائی عالم عامل، محقق و هنرمندی ذوالفنون بود. در علم تاریخ، رجال و انساب استاد مسلم، در کتاب شناسی، خط شناسی و سبک شناسی بی بدیل، خوشنویسی هنرمند، نقاشی چیره دست و توانا بودند.

وی مخصوصا در شناخت نسخه های خطی و تشخیص اسناد و اوراق هنری و تاریخی از متبحران کم مانند روزگار بود، اما تواضع بیش از حد او اجازه نمی داد تا چنان که شایسته اوست حرفی به میان آید و یا در جراید نوشته شود چرا که هر وقت از او خواسته می شد ترجمه حالشان در مجله یا جریده ای چاپ شود، متواضعانه می فرمودند که شرح حال مثال من در دفتر فراموشی بهتر.

استاد سلطان القرائی در اواسط عمر خویش با دختر دوم حاج میرزا علی خان سرکارات که از اعیان رجال زمان خود و صاحب مکارم اخلاق و محامد اوصاف بود ازدواج کرد و از او دو فرزند به دنیا آمد.

به توصیه و اصرار دوستان اقدام به تصحیح، تعلیق و تحشیه روضات الجنان، تالیف حافظ حسین کربلایی تبریزی معروف به ابن الکربلایی کرد. کتاب در دو جلد با حوصله و دقت کافی و علم و بینش وافیه در عرض 10 سال تلاش و کوشش استاد جعفر سلطان القرائی به دستداران دانش و معرفت و دلسوختگان عشق و محبت به یادگار ماند.

علامه جعفرسلطان القرائی در مقدمه جلد اول روضات، کتاب را چنین معرفی می کند: «کتاب حاضر که نام صحیح و کامل آن روضات الجنان و جنات الجنان است روی مقدمه و هشت روضه و خاتمه وضع شده با تفصیلی که در دیباچه کتاب مذکور است.

ثبت متون مکاتیب بعضی از علما، مشایخ و نقل اجازات و خرق آنها همچنین بیان سنن، آداب مذهبی، اخلاقی و وصف قسمتی از عمارات، ابنیه، زوایا، جوامع و معابد تبریز و ذکر مجملی از تاریخ خلفا، سلاطین، امرا و ترجمه جمعی کثیر از بزرگان، مشایخ، زهاد، علما، قرا، شعرا، وزرا، صدور، ملوک، خوشنویسان، ارباب هنر و تعیین قبور و مدفن آنها با استطراد بسیاری از نوادر حکایات و طرف قصص که مرجع و مآب پاره ای از آنها درایه و روایه به خود مولف است؛ از محاسن این کتاب است.»

برای تصحیح چنین کتابی استاد سلطان القرائی 10 سال از ابتدای صبح تا انتهای شب به طور طاقت فرسا زحمت کشیده و عمر صرف کرده است و بالاخره نتیجه مطلوب حاصل گشت.

علاوه بر کتاب مذکور، بیش از صدها مقاله تحقیقی در مجلات علمی و ادبی از جمله مجلات یغما، مهر، یادگار و ... از ایشان چاپ شده است و کتاب «المحافل» از آثار دیگر استاد است. مشتاقان در آرزوی طبع و نشر کتاب «المحافل» و

چاپ مجدد روضات الجنان هستند.

وی آزاد زیست چرا که مرد آزاده ای بود و به هنرآزاد اندیشی آراسته و جهانی بود بنشسته در گوشه ای، اعتنا به تقبیح و تحسین دیگران نکرد. محفلش گرم و مجلسش فیض بخش علامه دهخدا، دکتر معین، حاج آقا بزرگ تهرانی و علامه قزوینی و دیگر صاحب نظران بود.

استاد علامه جعفر سلطان القرائی تعداد 179 عنوان نسخه خطی بسیار ارزشمند از نفایس مجموعه خودشان را به کتابخانه مجلس شورا اهدا کرده اند. در میان مجموعه ای که از طرف ایشان به کتابخانه مجلس اهدا شده، کتاب های منحصر به فرد و بسیار نفیسی وجود دارد.

یکی از نمونه های عالی این نسخ، مجموعه «اسئله و اجوبه» رشیدالدین فضل الله همدانی است که خود شرحی مفصل در معرفی آن نوشته و در مجله «مهر» سال 1331 به چاپ رسیده است.

فهرست کتب بی بدیل و نفیس اهدایی ایشان در مجلدات مختلف بر حسب موضوع آنها، از سوی انتشارات کتابخانه مجلس به طبع رسیده و منتشر شده است. ولی بنابه دستور ریاست محترم کتابخانه مجلس، تهیه فهرستی از کتب خطی اهدایی شان در یک مجلد در حال تدوین و انتشار می باشد.

در ششم اردیبهشت ماه سال 1389 هجری شمسی از سوی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، مجلس بزرگداشتی به یاد استاد علامه جعفر سلطان القرائی ترتیب داده شد و در آن از خدمات ایشان به تاریخ، فرهنگ، علم و ادب این سرزمین تجلیل به عمل آمد و جهت یاد بود، ترجمه احوال و آثارشان در یک مجلد تدوین و انتشار یافت.

همزمان در کتابخانه سلیمانیه استانبول، مجلس نکوداشتی به پاس تشخیص دقیق کتب خطی آن کتابخانه از ایشان به عمل آمد. کتابخانه ای که به احترام این خدمت بزرگ در قبال کتب خطی آن، هنوز اتاق کارش را به یادبود نگه داشته است. در این کتابخانه بیش از 17 هزار جلد نسخه خطی به زبان فارسی وجود دارد.

استاد علامه جعفر سلطان القرائی به شامگاه روز سه شنبه 27 دیماه 1367 برابر با 9 جمادی الثانی سال 1409 چشم از جهان فرو بست و وادی رحمت تبریز پیکر نسخه شناسی بی بدیل، محقق و علامه ای بزرگ را در دل خود جای داد. یادش گرامی و روحش شاد باد.

نگارنده: محمدمامین سلطان القرائی